

ویژگی‌ها و کارکردهای دولت اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵

ذکر اکبری*

چکیده

دولت اسلامی از نگاه رهبری، دارای ویژگی‌ها و کارکردهایی می‌باشد که در مقاله حاضر با توجه به بیانات و اندیشه‌های معظم له مورد بحث واقع شده است. الهی بودن دولت اسلامی، آن را از دیگر دولت‌ها متمایز کرده است؛ دولتی است که مبتنی بر قهر و غلبه و استیلای ظالمانه نیست. مختص طبقه‌ای نبودن و مردمی بودن از ویژگی‌های دیگر دولت اسلامی بوده که از آن دولتی کریمه ساخته که هدف اساسی دولتمردان و نظام جمهوری اسلامی تأمین نیازهای مردم باشد، امنیت مردم مهم باشد؛ و همچنین برخی ویژگی‌ها را ایجاد و برخی را از خود سلب نماید. دولت اسلامی در قبال مردم و جامعه از منظر مقام معظم رهبری کارکردهای تربیتی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی دارد که در هر کدام از این کارکردها، مباحث اسلام و احکام دین مورد توجه بوده و این که از اهداف تشکیل جمهوری اسلامی بوده در این مقاله بدان پرداخته می‌شود. تحقیق حاضر که موضوع پژوهی بوده، از روش تحلیلی بدست آمده است.

واژه‌های کلیدی: دولت اسلامی، مقام معظم رهبری، ویژگی‌ها، کارکردها.

مقدمه

دولت اسلامی، دولتی است که بر اساس اسلام و آموزه‌های اسلام، بنا نهاده شده است. در این نظریه «منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره‌ی تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد؛ نهادها و بنیان‌های اداری کشور و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه‌ی نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است».^۱ «دولت اسلامی یعنی سازوکارها و نهادهای لازم برای ایجاد آن جامعه‌ی اسلامی».^۲

ویژگی‌های دولت اسلامی

برای اینکه کشور اسلامی به طور کامل محقق شود، احتیاج است که دستگاه حاکمه کشور در عمل خود، در سازماندهی خود و در چگونگی رفتار خود، به طور کامل اسلامی عمل کند. «در این راه هم حرکت کردیم؛ مسئولان مؤمنی، وزرای خوبی، نمایندگان خوبی، رؤسای جمهور با ایمانی، یکی پس از دیگری امور کشور را بر عهده گرفتند، اما دولت اسلامی‌ای که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آنها داشت، تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه خواری نباشد، کم کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت المال نباشد و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است. در تعالیم امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه، همه اینها وجود دارد. (بعضی‌ها) نگویند اینها مربوط به هزار و چهارصد سال قبل است. بعضی‌ها باز این حرف‌های تکراری و شبهه‌های صدها بار رد شده را تکرار می‌کنند. حقایق بشری و اصالت‌های

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۹۴/۷/۲۴.

۲. همان.

بشری باگذشت زمان تغییر پیدا نمی‌کنند. انسان‌ها از اول تاریخ تا امروز و از امروز تا پایان دنیا، همیشه عدالت را دوست داشته‌اند و به عدالت نیازمند بوده‌اند؛ این تغییر پیدا نمی‌کند. انسان‌ها از اول تاریخ تا امروز و از امروز تا آخر دنیا به مسئولانی که نسبت به آنها وفادار باشند، در خدمت آنها باشند و برای آنها صادقانه عمل کنند، احتیاج دارند؛ اینها که تغییرپذیر نیست. درس امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه ناظر به این چیزها است. این اصالت‌ها و این ثوابت حیات بشری در طول تاریخ را امیرالمؤمنین علیه السلام بیان می‌کند، ما آنها را می‌خواهیم و الا ما که اگر خواستیم از این شهر به آن شهر برویم، مثل زمان امیرالمؤمنین علیه السلام برویم؛ نه حالا با هواپیما بروید، ممکن است ده سال دیگر با یک وسیله بسیار تندروتر از هواپیما حرکت کنید. آن روز، نامه می‌فرستادند که دو ماه در راه بود، امروز شما با اینترنت لحظه به لحظه با آن طرف دنیا حرف می‌زنید. اینها متغیرات است، اما عدالت و صلاح مسئولان همیشه لازم است، حیف و میل نکردن اموال مردم که دست من و امثال من است، همیشه لازم است؛ اینکه تغییرپذیر نیست. اگر به توفیق الهی بتوانیم در این جهت خود را کامل کنیم و قدم‌هایی را که تا امروز به حمدالله برداشته شده، کامل کنیم، آن وقت کشور اسلامی به همان شکلی که گفتم، به وجود خواهد آمد، یعنی دولت اسلامی می‌تواند کشور اسلامی (را) به وجود بیاورد»^۱.

برخی از ویژگی‌های دولت اسلامی عبارتند از:

الهی بودن دولت

دولت اسلامی، دولتی الهی است و مانند هیچ یک از انواع حکومت‌ها همچون نظام شاهنشاهی نیست و حاکم در هیئت سلطان ظاهر نمی‌شود.

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۸۴/۵/۲۸.

در واقع، نظام حکومت اسلامی نظامی شاهنشاهی نیست، نظام‌هایی که در زمان ظهور اسلام بوده‌اند، نظام‌هایی مبتنی بر قهر و غلبه و استیلاي ظالمانه بوده‌اند و هدفشان این بوده که مردم در خدمت هدف‌های حکومت قرار گیرند که دو دولت نمونه آن، دولت ایران در شرق و دولت روم در غرب است. همچنین نظام دموکراسی به مفهوم حاکمیت اندیشه بشر نیست؛ و یا به این مفهوم که نمایندگان ملت از پیش خود قانون وضع می‌کنند، نمی‌باشد.^۱ از طرف دیگر، نظام اسلامی تئوکراسی هم نیست که حاکم خود را دارای سلطنتی مطلق در تشریح بداند و بدون معیار به وضع قوانین پردازد.^۲ چنانکه آگوستین خود را معیار شریعت مسیح و حاکمیت الهی می‌دانست.

امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «حکومت اسلامی هیچ یک از انواع حکومت‌های موجود نیست، مثلاً استبدادی نیست که رئیس دولت، مستبد و خودرأی باشد، مال و جان مردم را به بازی بگیرد و در آن به دلخواه دخل و تصرف کند. هر کس را اراده اش تعلق گرفت، بکشد و هر کس را خواست، انعام کند و به هر که خواست، تیول بدهد و املاک و اموال را به این و آن ببخشد».^۳ بنابراین، نظام اسلامی، نظامی یگانه در شکل و محتوای خود است و تمایز جوهری و اختلافی بنیادی با همه نظام‌های قدیم و جدید دارد. امام خمینی (ره) این تمایز را در فرمایشات خود بیان کرده‌اند: «حکومت اسلام، حکومت قانون است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون، فرمان و حکم خداست. قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت تام دارد. همه افراد از رسول اکرم ﷺ گرفته تا

۱. احمد حسین یعقوب المحامی، النظام السياسي فی الاسلام، ص ۲۴۱.

۲. همان، ص ۲۵۱.

۳. امام خمینی (ره)، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، ص ۵۲.

خلفای آن حضرت و سایر افراد تا ابد تابع قانون هستند، همان قانونی که از طرف خدای تبارک و تعالی نازل شده و در لسان قرآن و نبی اکرم بیان شده است.^۱

طبقاتی نبودن

حکومت اسلامی، حکومت طبقه خاص نیست؛ بلکه حکومت غیر طبقاتی است؛ زیرا این حکومت سرمنشأ الهی و دینی دارد و در دین اسلام هیچ کس بر دیگری برتری ندارد، مگر در تقوا و نیز کسی بر دیگری ولایت ندارد، مگر آن کسانی که خدا تعیین فرموده است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۲. ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. بنابراین، در شریعت اسلامی، همه افراد از نظر حقوق و تکالیف انسانی، یکسان و برابر هستند؛ زیرا همه آنها در انسانیت با هم برابر و از لحاظ آفرینش با هم برابرند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»^۳؛ ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید، پروا دارید. از طرف دیگر، در حکومت اسلامی همه در برابر قانون مساوی هستند و هر کس خلافی مرتکب شود، از هر طبقه و قشری که باشد، مجازات می‌شود. از این رو، می‌توان گفت در دولت اسلامی که بر مبنای حکومت دینی تشکیل می‌شود هیچ گونه تمایز طبقاتی، صنفی، نژادی و جغرافیایی و گروهی وجود ندارد. بنیانگذار جمهوری اسلامی در این باره می‌فرماید: «اسلام بزرگ تمام تبعیض‌ها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی، ویژگی خاصی قرار نداده و تقوا و تعهد به اسلام، تنها کرامت انسان‌ها است و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی حق

۱. امام خمینی (ره)، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، ص ۵۴.

۲. سوره مائده، آیه ۵۵.

۳. سوره نساء، آیه ۷.

اداره امور داخلی و محلی و رفع هر گونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است»^۱.

مردمی بودن

دولت اسلامی، دولتی فرا دموکراتیک است. دموکراسی دارای اشکالاتی است که دولت اسلامی مبرا از آن است. برای مثال، حقوق مردم در این دولت، مانند اندیشه‌های برخاسته از دموکراسی نیست که به دلخواه آنان، دولت قانون وضع کند؛ بلکه به گونه‌ای است که مردم با عامل هدایت، اصالت‌های این دولت و حکومت را ادراک می‌کنند و با آگاهی و صمیمیتی ویژه به آن پایبند می‌شوند و از آن تبعیت می‌کنند. از طرف دیگر، الگوی اصلی در دولت اسلامی، اراده الهی است و مردم این اراده را صمیمانه اعمال می‌نمایند.^۲

فرمایشات بنیانگذار جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که ایشان از کاربرد کلمات غربی از جمله -دموکراتیک، دموکراسی و نظایر آن- اکراه داشتند و معتقد بودند که دموکراسی یک مفهوم مورد مناقشه است و تعریف دقیقی - به خصوص با توجه به مؤلفه‌هایی که اندیشمندان مختلف برای آن احصاء کرده اند- ندارد. ایشان در مصاحبه با اورینانا فالاجی در پاسخ به اینکه چرا لفظ «دموکراتیک» از عنوان «جمهوری اسلامی» حذف شده است، می‌فرمایند: «این کلمه دموکراسی که پیش شما این قدر عزیز است یک مفهوم مُبیینی ندارد. ارسطو یک جور معنا کرده، شوروی یک جور معنا کرده. سرمایه دارها یک جور معنا کرده و ما در قانون اساسی مان نمی‌توانیم یک لفظ مبهمی که هرکس برای خودش یک معنا کرده است، آن را بگذاریم»^۳.

۱. صحیفه امام، ج ۷۷، ص ۵۶.

۲. علی اکبر نوایی، نظریه دولت دینی، ص ۷۱۹.

۳. صحیفه امام، ج ۷۱، ص ۹۵.

ایشان در مصاحبه‌ای با رادیو و تلویزیون هلند در پاسخ به نوع حکومت جایگزین نظام شاهنشاهی گفته‌اند: «رژیمی که به جای رژیم ظالمانه شاه خواهد نشست، رژیم عادلانه‌ای است که شبیه به آن رژیم در دموکراسی غرب نیست و پیدا نخواهد شد. ممکن است دموکراسی مطلوب ما با دموکراسی‌هایی که در غرب هست مشابه باشد؛ اما آن دموکراسی‌ای که ما می‌خواهیم به وجود آوریم در غرب وجود ندارد. دموکراسی اسلام، کامل‌تر از دموکراسی غرب است».^۱

امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری کمال مطلوب را ایجاد یک دولت و حکومت اسلامی می‌دانند^۲ که خیرخواه مردم باشد و در برابر قوانین اسلام و قانون اساسی خاضع باشد؛ به گونه‌ای که اگر دولت شکست خورد، مردم عزا بگیرند و برای حفظ آن قیام کنند.^۳ به نظر ایشان مقدمه تشکیل دولت اسلامی، سرنگون کردن رژیم خودسر، ظالم و خودکامه است،^۴ «تا با روی کارآمدن دولتی کریمه، عزیز، سربلند، خدمتگزار، دارای اعتقاد راسخ و نفوذناپذیر و نیز برقراری مردم سالاری دینی بر دو پایه ایمان دینی و اراده مردم، بسترسازی جریان اندیشه دینی و اخلاق فاضله در کشور صورت گیرد».^۵ مقام معظم رهبری دولت کارآمد را قالب دولت کریمه می‌دانند و ویژگی‌های آن را این چنین بیان می‌کنند: «این است که پروردگارا! «اللهم انا نرغب الیک فی دولة کریمه» کریمه باشد. دست‌های خود را بلند و دل‌هایمان را به سوی تو عرضه می‌کنیم و از تو دولت کریمه را می‌خواهیم. این دولت کریمه شرایطی دارد. البته ما از اوّل انقلاب تا کنون همواره خواسته ایم دولت‌ها را دولت کریمه بنامیم. یکی از آرزوهای ما این است و بنده آن را دوست می‌دارم. شما هم دولت عزیز و دولت

۱. همان، ج ۴، ص ۳۷۴.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۱.

۳. همان، ج ۷، ص ۲۱.

۴. همان، ج ۷، ص ۲۱.

۵. بیانات رهبری در دیدار با اعضای هیئت دولت و مدیران اجرایی کشور، ۸۶/۴/۹.

انقلابی؛ اما حقیقت قضیه این است که دولت کریمه شرایطی دارد. دولت کریمه، دولتی است که عزیز و سربلند و دارای اعتقاد راسخ به آن راهی است که قانون اساسی و وظایف و سیاست‌های نظام در مقابل او گذاشته است. نفوذناپذیر است و متاع خودش را به خاطر سبک کردن دیگران سبک نمی‌بیند. دولت کریمه دارای پیام است و برای دنیا حرف نو دارد. ما این حرف نو را داریم. امروز مردم سالاری دینی‌ای که ما در کشور خود مطرح می‌کنیم، یک حرف نو است؛ نه فقط به خاطر این که ما شاخه‌ای از مردم سالاری را ارائه می‌دهیم؛ نه‌خیر، ما در واقع در مردم سالاری‌های دنیا شبیه می‌کنیم»^۱.

«مردمی بودن در نظام جمهوری اسلامی، یک شاخه‌ی اصلی است؛ یعنی رأی مردم، هویت مردم، کرامت مردم، خواست مردم، از جمله‌ی عناصر اصلی در نظام جمهوری اسلامی و این بنای مستحکم است. رأی مردم تعیین‌کننده است. نیازهای مردم، هدف اساسی دولتمردان و نظام جمهوری اسلامی است. این نیازها، هم نیازهای مادی است و هم نیازهای معنوی و اخلاقی و روحی. در نظام جمهوری اسلامی همچنانی که اقتصاد مردم اهمیت دارد، امنیت مردم هم اهمیت دارد؛ همچنانی که امنیت جسم آنان دارای اهمیت است، امنیت اخلاق آنان هم دارای اهمیت است؛ همچنانی که حفظ تشکیلات کشوری مهم است، حفظ نظام خانواده هم مهم است. جمهوری اسلامی در مقابل همه این نیازهای مردم، خود را موظف می‌داند و مردم به معنای حقیقی کلمه، صاحب رأی و صاحب اختیارند»^۲.

علاوه بر مواردی که بیان شد، ویژگی و وظیفه دیگر دولت اسلامی تکامل معنوی و تقسیم هر کاری که در کشور صورت می‌گیرد باید با «خیرات میان مردم و ایجاد رفاه عمومی با هدف رفع فقر و محرومیت و ایجاد رونق در زندگی عموم مردم نه بخشی از

۱. بیانات رهبری در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۸۰/۶/۵.

۲. بیانات رهبری در مراسم هجدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۸۶/۳/۱۴.

مردم و قشرهای خاص باشد. در چنین فضایی است که مردم می‌توانند به اهداف والای نظام اسلامی یعنی معنویت و تکامل روحی و تعالی اخلاقی دست پیدا کنند؛ فضایی که خیرات جامعه به نحو صحیح میان مردم تقسیم شود؛ هر کس استعداد خود را به صحنه بیاورد و بهره آن را ببرد و نظام و حکومت مراقب باشد که هم به کسی ظلم نشود و هم هیچ کس محروم نماند. معنای ریشه کنی فقر این است، درباره دولت‌های جمهوری اسلامی « اینها را باید ملاک قرار داد.

بنابراین، حکومت اسلامی از ویژگی‌های مختص به خود برخوردار است و هیچ گونه شباهتی با حکومت‌های موجود ندارد؛ به عبارت دیگر، مانند حکومت‌های مطلقه‌ای که رئیس دولت با رأی خود استبداد بورزد، نیست که مردم و اموال آنها را بازیچه سازد؛ بلکه حکومتی قانونی است؛ لیکن نه به معنای قانونی که در پارلمان‌های امروزی و مجالس ملی وضع می‌شود. قانونی است به این معنا که قانونگذاران خود را ملزم به رعایت جمیع قوانین الهی که در قرآن و سنت آمده، می‌دانند.

از مجموعه بیانات آیت الله خامنه‌ای در رابطه با نظام سیاسی اسلام و به تبع آن دولت اسلامی نکاتی استنباط می‌شود:

اول آنکه «نظام اسلامی؛ بینات، واضحات و امر و نهی‌هایی دارد»،^۱

دوم آنکه «حکومت اسلامی برای دنیا حرف نویی دارد»،^۲

و سوم آنکه «نظام اسلامی برآمده از انقلاب، از شرق و غرب الگو نگرفته است».^۳

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۷۸/۶/۱۰.

۲. همان، ۷۸/۱۱/۴.

۳. همان، ۷۹/۲/۲۳.

با توجه به این نکات می‌توان ویژگی‌های ایجابی و سلبی خاصی برای دولت اسلامی متصور شد که وجه تمایز دولت اسلامی از دولت غیر اسلامی است:

ویژگی‌های ایجابی: ویژگی‌هایی هستند که به مثابه شرط لازمه برای تحقق دولت اسلامی ضروری است. ابتدای دولت بر پایه ولایت الهی، «حکمرانی مبتنی بر فقه اسلامی»^۱، «اهتمام توأمان دولت به امر مادی و معنوی»^۲، «ضمانت درونی داشتن دولتمردان»^۳، «صیانت از حقوق مردم»^۴، «تکریم شأن و مقام انسان»^۵، «سوق دادن مردم در مسیر رشد و تعالی»^۶ از جمله ویژگی‌های ایجابی است.

ویژگی سلبی: ویژگی‌هایی هستند که با حاکم شدن بر دولت، مانع تحقق دولت اسلامی و به تبع آن اهداف انقلاب اسلامی می‌شوند. از این رو مسئولان باید از این ویژگی‌ها مبرا باشند. «نگاه مادی به مقام و منصب، مسئولیت را به مثابه غنیمت پنداشتن»^۷، «زورگویی، قانون‌گریزی»^۸، «رشوه‌گیری، فساد اداری، ویژه‌خواری، کم‌کاری، بی‌اعتنایی به مردم، میل به اشرافی‌گری، حیف و میل بیت‌المال»^۹ از جمله این ویژگی‌ها هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. همان، ۷۴/۹/۱۶.

۲. همان، ۷۷/۲/۲.

۳. همان، ۷۸/۱/۱۶.

۴. همان، ۷۸/۱/۱۶.

۵. همان، ۷۸/۶/۱۰.

۶. همان، ۶۹/۵/۷.

۷. همان، ۷۱/۱۰/۱۷.

۸. همان، ۶۹/۳/۱۰.

۹. همان، ۸۴/۵/۲۸.

کارکردهای دولت اسلامی

نقش تربیتی

تعلیم و تربیت و تزکیه جامعه یکی از وظایف و کارکردهایی است که طبق موازین اسلامی قرار هست اتفاق بیفتد. جامعه بدون تربیت به فساد و فحشاء کشانده می‌شود.

«بحث ما در وظائف حکومت اسلامی در رابطه‌ی با جامعه بود و عرض کردم که این وظائف دو نوع است: يك نوع وظائف مربوط به امور معنوی و يك نوع وظائف مربوط به رفاه مادی. در وظائف معنوی، یکی از وظائف را که عبارت بود از تعلیم و تربیت و تزکیه‌ی جامعه، به تفصیل عرض کردم و نقش صدا و سیما را در این باب مشروحاً بیان کردم و عرض شد که دولت اسلامی موظف است که جامعه را با فرهنگ بالاتر و معلومات عمیق‌تر و آگاهی‌های همگانی مجهز کند و بدین وسیله جلو نفوذ فرهنگ بیگانه را بگیرد؛ و برای اینکه تأثیر رسانه‌های عمومی از جمله صدا و سیما و همچنین روزنامه‌ها و مطبوعات روشن بشود، دو نمونه و دو مثال را عرض کردم از تبلیغات ننگین رژیم گذشته که به وسیله‌ی صدا و سیما و مطبوعات در جامعه گسترش و عمق پیدا کرده بود: یکی در باب اسراف و فرهنگ مصرف‌گرایی بود و دیگری در باب فساد و فحشاء جنسی؛ و این بحث‌ها به همان بحث اصلی مربوط می‌شد که عبارت بود از وظایف دولت اسلامی در باب تعلیم مردم و تربیت آنها و تزکیه‌ی آنها و تقویت مبانی آگاهی و فرهنگی آنها».^۱

از بیانات مقام معظم رهبری چنین استنباط می‌شود که حکومت‌ها و در ذیل آن دولت اسلامی نباید نسبت به تربیت معنوی افراد تحت حاکمیتشان بی تفاوت باشند. در نگاه ایشان «حکومت همچون خانواده است که در زمینه معنویت و رشد فضیلت‌های اخلاقی اعضای خود مسئولیت‌هایی دارد».^۲ و در این زمینه مسئولان را

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۶۵/۹/۱۴.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۸۱/۱۱/۱۵.

به برنامه ریزی برای رشد اخلاقیات جوانان رهنمون کرده و خطاب به مسئولان می‌فرماید: «به جوانان ما مناعت طبع و عفت اخلاقی و اطمینان به نفس و اعتماد به خود و صداقت و شجاعت بیاموزید؛ در آن‌ها اراده پولادین و انضباط اجتماعی و وجدان کاری به وجود آورید؛ بعد هم برایشان برنامه ریزی کنید، این کارها شدنی است».^۱ ایشان در پاسخ به شبهه‌ای که آیا دولت وظیفه‌ای در رساندن مردم به بهشت دارد به صراحت نظر مثبت می‌دهند و «تفاوت حاکم اسلامی را با دیگر حکام در همین مسئله می‌دانند که حاکم اسلامی می‌خواهد کاری کند که مردم به بهشت و سعادت حقیقی و اخروی برسند؛ و با توجه به فطری بودن تمایل انسان‌ها به سعادت، دولت اسلامی را موظف می‌دانند که در این راستا، روند امور را تسهیل کند. البته این هدایت نباید ملازم با فشار و تحمیل باشد و این وظیفه ریشه در سیره امیرالمؤمنین علیه السلام دارد».^۲

نقش اقتصادی

فعالیت و تلاش اقتصادی در دولت اسلامی باید به گونه‌ای باشد که گروهی متضرر و فقیر و گروهی سرمایه دار و مرفه نباشد. نه تنها به سمت توسعه باشد بلکه طبق احکام و موازین اسلامی باشد.

«ما باید به تحرك اقتصادی در درون دنیای اسلام بیشتر اهمیت دهیم و این مرکز مهم مالی که شما عضو آن هستید، می‌تواند در این مورد نقش‌های بسیار خوبی را ایفا کند. موانع تجارت میان کشورهای اسلامی باید برطرف شود؛ این تصمیمی است که دولت‌ها باید بگیرند. فکر بازار مشترك اسلامی يك فكر كاملاً عملی است؛ الان سال‌هاست که این فکر مطرح است. البته ایجاد بازار مشترك میان دولت‌های اسلامی مقدماتی دارد؛ دشوار است، لکن ممکن؛ ما می‌توانیم مقدمات آن را در طول چند

۱. همان، ۸۰/۲/۱۲.

۲. همان، ۹۳/۲/۲۳.

سال فراهم کنیم. چه بجاست که هیأت مدیره‌ی این مجموعه موظف شود تا برای رسیدن به این هدف، مقدمات کار را جستجو کند و کارهایی را که باید از سوی دولت‌ها و کشورهای اسلامی انجام بگیرد، مشخص کند و دولت‌های عضو این مجموعه موظف شوند که مقدمات کار را به تدریج فراهم کنند. اینها کارهای بزرگی است؛ کارهای بزرگ را با همت‌های بلند می‌توان انجام داد. حرکت اقتصادی دنیای اسلام و امت اسلامی باید با این توجیه اساسی صورت بگیرد که اگر در این دنیای متعارض که قدرت‌ها بر سر تصرف دنیا با یکدیگر در تعارضند، امت اسلامی قدرتمند نباشد، یقیناً دستخوش بحران خواهد شد و مثل طعمه از آن استفاده خواهند کرد؛ این مهمترین هدف و توجیه برای همکاری کشورهای اسلامی با یکدیگر است.^۱

«یکی از مشکلات ما در طول این سال‌ها این بوده که افرادی آمده‌اند مفاهیم اسلامی را با مفاهیم غربی ترجمه کرده‌اند، حرف‌های غربی‌ها را تکرار کرده‌اند، دنبال تحقق آنها بودند؛ در حالی که انقلاب اسلامی برای این نیست. آزادی غربی در زمینه‌ی اقتصاد، همین مطالبی است که می‌بینید؛ همین «اقتصاد آدام اسمیتی» و رسیدن به این وضع دیکتاتوری اقتصادی موجود دنیا که الان دارد انحلال و فروریختگی خودش را به تدریج نشان می‌دهد. مراد ما از آزادی که این نیست. آزادی انسانی به معنای آزادی اخلاقی بی‌بندوباری فرهنگی غربی نیست».^۲

«مسئله‌ی آزادی اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی یک مسئله‌ی سؤال‌انگیز و بحث‌انگیز است و همه کسانی که با انگیزه‌های مختلف به مسئله فعالیت اقتصادی نگاه می‌کنند، روی این مسئله تکیه و توجه دارند و ابعاد این قضیه باید هرچه بیشتر روشن بشود».^۳ «در اقتصاد جامعه‌ی اسلامی اگرچه مردم در فعالیت‌های اقتصادی

۱. بیانات رهبری در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس بانک توسعه اسلامی ۸۳/۶/۲۵.

۲. بیانات رهبری در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۹۰/۷/۲۴.

۳. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۶۶/۱۰/۱۱.

میدان باز و وسیعی دارند و آزادی‌های زیادی دارند و هر کسی این حق را دارد که فعالیت و تلاش اقتصادی بکند، اما در کنار این حق و اختیار برای مردم يك اختیار و حقی هم برای دولت اسلامی و قدرت حاکم بر جامعه‌ی اسلامی قرار داده شده است و آن حق کنترل و نظارت و مراقبت است؛ زیرا اگر این حق برای حاکم اسلامی نباشد و مردم بدون نظارت دولت و بدون رعایت سیاست‌های دولت تلاش اقتصادی را شروع کنند و انجام بدهند، این یقیناً در جامعه به طغیان، به ظلم، به بغی، به فساد منتهی خواهد شد و همان وضعی پیش خواهد آمد که در دنیای سرمایه‌داری هست که سلاطین فولاد و طلا و نفت و صاحبان کمپانی‌های بزرگ از قدرت و ثروت بی‌نهایت برخوردارند و قشر بزرگی از مردم هم از اولیات زندگی یعنی از خانه و خانواده و شام شب و لباس نگهدارنده‌ی از سرما و گرما محرومند و بدتر از آنجا کشورهایی که دنباله‌رو سیاست‌های آنها هستند در جهان سوم از جمله نظام منحنط گذشته‌ی این کشور، نظام پادشاهی. اگر نظارت دولت اسلامی و حاکمیت اسلام نباشد، قانون اسلامی به خودی خود، نمی‌تواند معجزه بکند. قانون هنگامی کاربرد دارد و مؤثر است که بالای سر قانون، يك دست قوی و نیرومندی باشد و آن دولت اسلامی است.»^۱

«نکته‌ی اول این بود که اگر گفته می‌شود که در اسلام آزادی فعالیت اقتصادی برای همه‌ی مردم هست، این را نباید با آزادی در سرمایه‌داری غربی اشتباه کرد؛ آن چیزی است و این چیز دیگری. همان قدر که نظر اسلام در باب آزادی فعالیت اقتصادی با نظر کمونیست‌ها و مارکسیست‌ها اختلاف دارد، شاید بشود گفت به همان اندازه هم با نظر مکتب سرمایه‌داری که در غرب حاکم و مورد عمل هست، اختلاف دارد. نکته‌ی دوم این بود که آزادی اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی برای همه‌ی مردم در صورتی تأمین خواهد شد که در جامعه مقرراتی وضع بشود و اعمال بشود که همه‌ی

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۶۶/۱۰/۱۱.

آحاد مردم فرصت استفاده از امکانات طبیعی و ثروت‌های خدادادی برای همه‌ی مردم را بتوانند پیدا کنند؛ یعنی همه‌ی مردم بتوانند از زمین‌ها، از جنگل‌ها، از دریاها، از منابع و معادن و از انفال و همه‌ی چیزهایی که جزو ثروت‌ها و منابع عمومی است، استفاده کنند. این جور نباشد که در جامعه از این منابع طبیعی و ثروت‌های خدادادی عده‌ای بتوانند استفاده کنند و عده‌ی دیگری به آن حدی نرسند که از این منابع طبیعی استفاده کنند. مقرراتی این چنین در جامعه لازم است. نکته‌ی سوم این بود که برای جلوگیری از فساد، جلوگیری از اشرافی‌گری، جلوگیری از تُرف در جامعه، که در قرآن به آن مکرراً تصریح شده و انواع فسادهای مالی، لازم است که بر این فعالیت آزاد، کنترل و نظارتی وجود داشته باشد که آن کنترل از طرف دولت و حکومت اسلامی است و حاکم اسلامی حق دارد که نظارت و کنترل خود و حسابرسی خود بر کیفیت استفاده از سرمایه و پول و مال و مصرف آن را حفظ کند و این تکلیف دولت اسلامی است و دولت اسلامی باید این تکلیف را انجام بدهد و به نفع عموم مردم، مخصوصاً طبقات ضعیف و مستضعف است. نکته‌ی چهارم این بود که اگر ما فعالیت اقتصادی را در جامعه‌ی اسلامی آزاد می‌دانیم بر حسب نظر اسلام، این آزادی باید به حدی نرسد که دارندگان سرمایه‌های بزرگ این قدرت اجتماعی و سیاسی را پیدا کنند که در سرنوشت سیاسی جامعه دخالت و اعمال نفوذ کنند؛ آن طوری که امروز در کشورهای غربی هست. در جامعه‌ی غرب همان طور که گفتم و غالباً می‌دانید، سرمایه‌دارها هستند که سیاست‌ها را تعیین می‌کنند و سیاستمدارها را بر سر کار می‌آورند یا کنار می‌زنند. این در جامعه‌ی اسلامی مقبول نیست و پولدار و سرمایه‌دار و طبقه‌ی اشراف نباید به آن حدی برسند و سرمایه آن چنان قدرتی در جامعه پیدا کند که یک عده پولدار و ثروتمند و گردن‌کلفت در مسائل سیاسی جامعه دخالت کنند، وکیل بیاورند، وکیل ببرند، قدرتمندان را بیاورند، رئیس‌جمهور بیاورند، سیاستمدارها را عوض کنند، سیاست‌ها را دیکته کنند، قانون‌ها را بر قوه‌ی قانون‌گذار تحمیل کنند. این هم در جامعه‌ی اسلامی به هیچ وجه مقبول نیست و هر چیزی که به

اینجا منتهی بشود، يك خطر و واجب الاجتناب است. نکته‌ی پنجم و نکته‌ی آخری که آن روز عرض شد، این بود که حالا که در نظام اسلامی مردم حق فعالیت آزاد اقتصادی را دارند و همه مردم کارمندان دولت نیستند، می‌توانند خودشان کار کنند، خودشان تلاش کنند، خودشان تأمین درآمد بکنند، پس خلأهای مالی و اقتصادی در جامعه هم به وسیله مردم باید پر بشود؛ یعنی انفاق. این انفاقی که شما در قرآن در آیات متعددی - ده‌ها آیه - می‌بینید که اجمالاً یا تفصیلاً به آن پرداخته شده، این ناشی از همین فعالیت آزاد اقتصادی در جامعه است. وقتی مردم درآمد تحصیل می‌کنند، پس باید به نیازهای جامعه هم مردم برسند، خلأها را پر کنند، خود انفاق هم به معنای پر کردن همین خلأهاست. این مطالبی بود که آن روز در پنج نکته عرض شد و امروز دو سه نکته‌ی دیگر را هم در همین زمینه اشاره می‌کنم. نکته‌ی اولی که امروز عرض می‌کنم، این است که فعالیت اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی گفتیم آزاد است؛ اما نه آزاد مطلق، محدودی دارد، مرزهایی دارد، این مرزها - که طبیعی هم هست که هر گونه حرکت و فعالیت آزادی بالاخره يك حدودی داشته باشد - در مکتب اسلام مرزهای بخصوصی است. در جوامع سوسیالیستی هم يك نوع مرز برای داشتن مال و ثروت هست؛ آن مرزها با مرزهای اسلامی متفاوت است. در جامعه‌ی اسلامی مرز فعالیت آزاد همان چیزهایی است که به صورت کسب های حرام و تصرفات حرام در مال در کتب فقهی، معین و مشخص شده؛ یعنی معامله‌ی ربوی حرام است، معامله‌ی ناشی از غرر و جهالت حرام است، معامله‌ای که در آن فریب کسی باشد، حرام است، معامله‌ای که در آن اضرار بر دیگران باشد، ممنوع و حرام است، معامله‌ای که ناشی از درآمدهای نامشروع باشد، حرام است، احتکار که موجب ثروتمندی بعضی می‌شود و معاملات ناشی از آن حرام است و از این قبیل چیزهایی که در شرع مقدس اسلام هست که اینها حدود معامله‌گری و فعالیت آزاد اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی است. بعضی از اجناس و اشیاء، معامله‌ی آنها حرام است مثلاً خمر یا چیزهای حرام و نجس در مواردی - غیر از موارد استثنایی - معامله‌ی آنها حرام است یا بعضی از

اموالی که متعلق به شخص نمی‌شود و متعلق به دولت اسلامی است مثل انفال، معامله‌ی آنها، جز در يك موارد استثنائی، برای افراد و برای بخش خصوصی، حرام است؛ و از این قبیل مواردی هست در فقه اسلام که روشن و واضح و معین کرده که این فعالیت آزاد شما ولو آنجایی که نظارت و کنترل دولت هم آن را منع نمی‌کند تا کجا جایز است و تا کجا جایز نیست و ممنوع و حرام است»^۱.

«پس بنابراین راه درست اقتصاد آزاد در جامعه‌ی اسلامی این نیست که ما این آزادی را فقط در اختیار آن کسانی قرار بدهیم که قدرت مانور اقتصادی دارند، بلکه علاوه‌ی بر اینکه افرادی که قدرت حرکت و فعالیت اقتصادی دارند، آنها باید کار اقتصادی بکنند، باید وضع جامعه، نظام جامعه، قوانین جامعه، کیفیت ارتباطات جامعه به شکلی باشد که همه‌ی مردم، یعنی همه‌ی آن کسانی که قدرت کار دارند، آنها همه بتوانند فعالیت آزاد اقتصادی کنند و از کار خودشان منتفع بشوند. این يك نکته.

نکته‌ی بعدی در باب آزادی اقتصادی این است که همه‌ی انواع آزادی در جامعه‌ی اسلامی باید به وسیله‌ی قدرت حاکم اسلامی در جامعه کنترل و هدایت و نظارت بشود. این کنترل برای چیست؟ برای این است که این آزادی به فساد منتهی نشود؛ این آزادی موجب سلب آزادی دیگران نشود. در آزادی بیان هم همین جور است، در آزادی‌های سیاسی هم همین جور است، در آزادی‌های فرهنگی هم همین طور است که قبلاً درباره اینها بحث مفصلی شده؛ در آزادی اقتصادی هم همین جور است. اگر آزادی فعالیت‌های اقتصادی را این جور معنا کنیم که آن کسانی که قدرت فعالیت و مانور اقتصادی دارند، این‌ها آزادند، هرچه خواستند تولید کنند، هر جور خواستند عرضه کنند، هر وقت خواستند توزیع کنند، هر جور خواستند بفروشند، هر جور خواستند مصرف کنند، این یقیناً نظر اسلام نیست. اسلام در کنار آزادی اقتصادی و

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۶۶/۱/۱۵.

مالکیت خصوصی که به همه‌ی افراد جامعه اعطا کرده و داده، نظارت و کنترل دقیق دستگاه حاکمیت را هم بر همه‌ی اینها لازم دانسته؛ یعنی باید دستگاه حکومت مراقب باشد که از این آزادی‌ها سوء استفاده نشود. حتی در مصرف باید مراقبت بشود که اسراف به وجود نیاید. البته اسراف در يك حدی فقط يك گناه شخصی است. شما اگر در داخل منزلتان يك چیزی را به صورت مسرفانه مصرف کردید، این يك فعل حرام است فقط، يك کار گناه است، چون اسراف کار خلاف است دیگر، کار حرام است، يك کار حرامی کردید؛ اما اگر همین کار حرام به حدی رسید و به کیفیتی درآمد که نظام اقتصادی جامعه را تهدید می‌کند، در جامعه فقر را گسترش می‌دهد، مایه‌ی محرومیت قشرهای عظیمی از مردم می‌شود، اشیاء و اجناسی را که با زحمت زیاد و با شرکت عمومی تولید می‌شود، اینها را به فنا و نابودی تهدید می‌کند، آن وقت دولت اسلامی وظیفه دارد، تکلیف دارد که بیاید در مقابل این اسراف و در مقابل این زیاده‌روی و تضییع اموال بایستد. البته این در سطح نظام جهانی این جور است؛ یعنی مخصوص جامعه نیست، مخصوص داخل جامعه نیست، نظر اسلام در سطح دنیا هم همین جور است»^۱.

در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای «وظایف اقتصادی دولت و پرداختن به امور اقتصادی مردم از اوجب واجبات حکومت هاست که باید مورد اهتمام قرار گیرد».^۲ آیت الله خامنه‌ای تأکید دارند که «باید اصول اقتصادی مدنظر امام (ره) استخراج و عملیاتی شوند. ایشان برخی از اصول واضح در فرمایشات امام (ره) را استقلال در اقتصاد ملی، تکیه به خودکفایی، عدالت اقتصادی در تولید و توزیع، دفاع از طبقات محروم، مقابله با فرهنگ ظالمانه سرمایه داری و احترام به مالکیت، احترام به سرمایه، احترام به کار، هضم نشدن در اقتصاد جهانی برمی شمارند».^۳ «همچنین در راستای این

۱. همان، ۶۶/۷/۲۴.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۸۰/۲/۲۸.

۳. همان، ۹۲/۳/۱۴.

اصول، دولت را به ایجاد اشتغال، مبارزه با فساد و باز کردن گره‌های امور معیشت مردم و رونق دادن به اقتصاد کشور ملزم کرده‌اند.^۱ در سال‌های اخیر با توجه به اهمیت مسائل اقتصادی و چالش‌هایی که جمهوری اسلامی با آن‌ها روبه‌رو بوده است، رهبر معظم انقلاب بر اقتصاد مقاومتی به عنوان یک تکلیف تأکید کرده‌اند. «ایشان ستون فقرات اقتصاد مقاومتی را تقویت تولید داخلی بیان می‌کنند».^۲ «نگاه به ظرفیت‌های درونی کشور اعم از امکانات انسانی، طبیعی، امکانات جغرافیایی و موقعیت منطقه‌ای»^۳ و همچنین «کاهش وابستگی به نفت و جایگزینی آن با فعالیت‌های اقتصادی درآمذزای دیگر همچون صنایع دانش بنیان را پیشنهاد می‌کنند».^۴ «توجه به بخش خصوصی و جایگاه مردم در اقتصاد، جدی گرفتن معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری کشور به بخش خصوصی، شفاف سازی اطلاعات»^۵، «انضباط اقتصادی، اصلاح قوانین، ثبات، شفافیت و انسجام آنها را از عوامل رونق اقتصادی بیان می‌کنند».^۶

«اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی، نقطه ی قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ی ضعف و زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت و توزیع عدالت محور و مصرف به اندازه و بی اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی این جانب بارها

۱. همان، ۸۱/۲/۱۱.

۲. همان، ۹۴/۲/۹.

۳. همان، ۹۲/۸/۱۲.

۴. همان، ۹۱/۵/۳.

۵. همان، ۹۰/۵/۲۶.

۶. همان، ۸۵/۳/۲۹.

تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد. انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم مهمترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه بندی معیوب و نامتوازن و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است. راه حلّ این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه‌ی بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولّد شدن و دانش بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدّی‌گری نکردن دولت، برونگرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهمّ این راه حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه جوان و دانا و مؤمن و مسلّط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش رو باید میدان فعالیت چینی باشد»^۱.

نقش فرهنگی

فرهنگ صحیح در جامعه با حمایت و توجه دولت اسلامی پیاده می‌شود. فرهنگ در دولت اسلامی باید برگرفته از فکر و تفکر اسلامی باشد.

۱. بیانات مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم انقلاب، ص ۱۴ و ۱۵، ۹۷/۱۱/۲۲.

«وظیفه‌ی حتمی دیگر دولت اسلامی، گسترش علم و دانایی است؛ چون دولت اسلامی بدون گسترش علم و دانایی به جایی نخواهد رسید. گسترش آزاداندیشی هم مهم است. واقعاً انسان‌ها باید بتوانند در یک فضای آزاد فکر کنند. آزادی بیان تابعی از آزادی فکر است. وقتی آزادی فکر بود، به‌طور طبیعی آزادی بیان هم هست. عمده، آزادی فکر است که انسان‌ها بتوانند آزاد بیندیشند. در غیر فضای آزاد فکری، امکان رشد وجود ندارد. برای فکر، برای علم، برای میدان‌های عظیم پیشرفت بشری اصلاً جایی وجود نخواهد داشت. ما در مباحث کلامی و مباحث فلسفی هرچه پیشرفت داشتیم، در سایه‌ی مباحثه و جدل و بحث و وجود معارض داشتیم. اشکالی که ما همواره به بخش‌های فرهنگی داشته‌ایم، این بوده که به نقش خودشان به عنوان یک دولت اسلامی در صحنه‌ی کارزار فکری درست عمل نمی‌کنند. کارزار فکری باید باشد؛ منتها کارزار فکری عملاً به این شکل در نیاید که ما به قول سعدی، سنگ را بگشاییم و سنگ را ببندیم؛ حربه را از دست اهل حق و اهل آن فکری که حق می‌دانیم، بگیریم اما دست اهل باطل را باز بگذاریم که هر بلایی می‌خواهند، سر جوان‌های ما بیاورند؛ نه او حرف بزند، شما هم حرف بزنید و در جامعه فکر تزیق کنید. ما به تجربه دریافته‌ایم که آنجایی که سخن حق با منطق و آرایش لازم خودش به میدان می‌آید، هیچ سخنی در مقابل آن، تاب پهلوزدن و مقاومت کردن نخواهد داشت»^۱.

نقش سیاسی

برنامه ریزی دولت برای سیاست، پرورش جوانان این کار و ایجاد ظرفیت‌های لازم با کار بست اندیشه درست می‌باشد. «دولت باید بسترهای لازم را برای سریان و جریان اندیشه‌ی درست و اخلاق فاضله در کشور به وجود بیاورد. این خود در عین اینکه یک کار فرهنگی است، یک کار سیاسی هم هست. امروز یکی از سیاست‌های

۱. بیانات رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضاء هیأت دولت، ۸/۶/۸۴.

رایج و متداول در دست و بال شبکه‌ی خطرناک صهیونیستی دنیا و عوامل دولتی‌شان در کشورهای مختلف این است که جوان‌ها را بخصوص در کشورهای اسلامی و بخصوص در کشورهایی که ممکن است در مقابل آنها به عنوان یک رقیب علمی یا رقیب سیاسی قد علم کنند و منافع آنها را به خطر بیندازند، از نگاه جدی به زندگی باز بدارند. آنها می‌خواهند این جوان‌ها را ضایع کنند؛ آنها برای این کار برنامه‌ریزی کرده‌اند. مقابله‌ی با این برنامه‌ریزی علاوه بر اینکه یک وظیفه است، یک حرکت شجاعانه‌ی سیاسی است»^۱.

نقش امنیتی

رهبر معظم انقلاب اسلامی امنیت را از دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران و تأمین و حفظ امنیت را از اهداف تشکیل جمهوری اسلامی می‌دانند و با اشاره به بی نظیر بودن امنیت ایران در منطقه غرب آسیا بر تأمین امنیت کشور از طریق پیشرفت تأکید می‌کنند. رهبر انقلاب همچنین امنیت را نعمت بزرگ از دیدگاه دین، زیرساخت همه پیشرفت‌ها و مقدمه تحول و بروز استعدادها، عامل آرامش و سکینه روحی مردم و عامل تحقق آرزوهای بزرگ و آرمان‌های درخشان می‌دانند و نبود امنیت را از جمله نقطه‌های آسیب برای هر کشور و بزرگترین بلای بشر بر می‌شمارند.

رهبر انقلاب درباره وظیفه حاکمیت در قبال تأمین و حفظ امنیت کشور، بر داشتن اقتصاد قوی، تولید قوی، همراه با مدیریت قوی به عنوان تأمین کننده امنیت مستمر کشور تأکید می‌کنند. تقویت نظامی، مراقبت در خصوص حفظ امنیت ملی، پیشگیری از هرگونه اقدام مغایر امنیت ملی، ضرورت هوشیاری همه پاسداران حریم امنیت ملی در سازمان‌های مختلف، لزوم بهره‌گیری از سرعت و سهولت و ارتباطات

۱. بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت و مدیران اجرایی کشور، ۸۶/۹/۴.

زود دسترس برای تأمین امنیت و پرهیز از نا امنی ناشی از سوء سیاست و قدرت طلبی و بی اخلاقی از جمله مواردی است که رهبر انقلاب در این باره به آنها اشاره می‌کند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در شاخص دیگری، بر «دشمنی دشمنان با امنیت ایران» تأکید می‌کند. حرکات شرارت‌آمیز و تجزیه‌طلبانه دشمن از ابتدای پیروزی انقلاب، اقدامات دشمن در دوران جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، تحریک به حرکات اعتراضی در کشور برای تضعیف امنیت، برنامه ریزی و توطئه مستمر برای اخلال در امنیت کشور و ناراحتی دشمن از آنچه حافظ امنیت کشور است، از جمله مواردی است که رهبر انقلاب در این باره به آنها اشاره می‌کند.

رهبر انقلاب با بیان رابطه امنیت و مردم، امنیت را از مهم ترین خواسته‌ها و مفیدترین عواید یک ملت و حضور مردم در عرصه‌های مختلف را تعیین کننده امنیت ملی می‌دانند و در این باره تأکید می‌کنند که «تأمین امنیت کشور به برکت تلاش و مجاهدت جوانان مؤمن، افرادی مانند مدافعان حرم و مرزداران و شهدای دفاع مقدس ممکن است. رهبر انقلاب همچنین راه تأمین امنیت را نشان دادن اقتدار ملی از طریق حضور در اجتماعات عظیم و تظاهرات و همراهی با نظام جمهوری اسلامی می‌دانند. امنیت در همه حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی از نیازهای اساسی است زیرا وجود آن باعث استحکام و استمرار جامعه می‌شود. در دیدگاه مقام معظم رهبری برقراری امنیت در همه ابعاد آن بر عهده دولت اسلامی است: «امنیت اخلاقی و امنیت اجتماعی جزو وظایف ما است؛ جزو وظایف جمهوری اسلامی است؛ نمی‌توانیم اینها را رها کنیم».^۱ «اگرچه میزان امنیت امری نسبی است؛ اما به باور ایشان مردم باید امنیت جان، مال، فرزندان، ناموس و امنیت در فکر، عقیده، سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی شان را احساس کنند».^۲

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۹۴/۲/۶.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۸۰/۲/۲۸.

نقش اجتماعی

از آن جا که وظایف اجتماعی گسترده وسیع و مباحث فراوانی را در بر می گیرد، وظایف اجتماعی دولت اسلامی از نظر آیت الله خامنه ای را می توان چنین بیان کرد: «گسترش علم، دانایی و آزاداندیشی»^۱، «نهادینه کردن عدالت اجتماعی، طرفداری از محرومان و دوری از خوی اشرافی گری و تجمل گرایی»^۲، «صرفه جویی و جلوگیری از اسراف در سطح ملی و پرهیز جدی از مصرف بی رویه مانند انجام سفرهای بیهوده و تجملات اداره ها»^۳، «پرهیز از هزینه کردن اعتبارات و پول های کشور در جاهای غیرلازم و تشریفاتی»^۴، «سوق دادن مردم به سمت قناعت، اکتفا و به اندازه ی لازم مصرف کردن و اجتناب از دعوت به زیاده روی و اسراف»^۵، «توجه جدی به مسئله آب و هوا، نگاه به مسئله غبار و دود، نگاه به مسئله هوا و آب سالم، نگاه به محیط زیست سالم، نگاه به مسئله جنگل ها و گنجاندن آن ها در متن برنامه ها»^۶، «ترویج ورزش همگانی»^۷، «رسیدگی به امور بازنشستگان»^۸.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۸/۶/۸۴.
۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴/۳/۹۴.
۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۱/۸۸.
۴. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۱/۲/۸۱.
۵. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۵/۹/۸۱.
۶. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۷/۱۲/۸۹.
۷. بیانات مقام معظم رهبری، ۱/۱۱/۹۳.
۸. بیانات مقام معظم رهبری، ۲۵/۴/۷۶.

نتیجه‌گیری

۱. دولت اسلامی با رعایت موازین اسلامی و پیاده کردن آنها در جامعه می‌تواند کشور اسلامی را به وجود آورد.
۲. با الهی بودن دولت اسلامی مردم دیگر در خدمت هدف‌های حکومت قرار نخواهند گرفت.
۳. در دولت اسلامی حاکم دارای سلطنتی مطلق در تشریح نیست که بدون معیار به وضع قوانین پردازد.
۴. در دولت اسلامی هیچ‌گونه تمایز طبقاتی وجود نداشته و برای هیچ‌گروهی ویژگی خاصی قرار داده نشده است.
۵. در دولت مردمی بیشتر به نیازهای مردم در تمامی عرصه‌ها که هم به معنویت و تکامل روحی و تعالی اخلاقی دست یابند و هم اینکه فقر و محرومیت زدوده شود و رونق و رفاه ایجاد گردد توجه شده است.
۶. دولت اسلامی جهت ایفای نقش تربیتی، نه تنها باید به تعلیم و تزکیه جامعه پردازد، باید جلوی نفوذ فرهنگ بیگانه را بگیرد.
۷. فعالیت و تلاش اقتصادی در دولت اسلامی باید بگونه‌ای باشد که گروهی متضرر و فقیر و گروهی سرمایه‌دار و مرفه نباشد. نه تنها به سمت توسعه باشد بلکه طبق احکام و موازین اسلامی باشد.
۸. مقام معظم رهبری، ستون فقرات اقتصاد مقاومتی را تقویت تولید داخلی می‌دانند.

۹. اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است.

۱۰. جهت تقویت فرهنگ جامعه، کارزار فکری باید صورت پذیرد.

۱۱. به خطر انداختن منافع جوانان از سیاست‌های رایج صهیونیستی دنیا و عوامل دولتی شان در کشورهای مختلف است.

۱۲. رهبر انقلاب راه تأمین امنیت را نشان دادن اقتدار ملی از طریق حضور در اجتماعات عظیم و تظاهرات و همراهی با نظام جمهوری اسلامی می‌دانند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. امام خمینی (ره)، مجموعه صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶.
۲. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه، چاپ سیزدهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
۳. خامنه‌ای، آیت الله سید علی، بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله.
۴. نوایی، علی اکبر، نظریه‌های دولت دینی، تهران: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۱.

